

Iranian Women and the sphere of politics

(Understanding the political issue and building female political subjectivity)

Zeinab Moradinezhad^{*}, Mohammad Taghi Karami Ghahi^{}**

Saeedeh Amini^{*}**

Abstract

In the interweaving of political and social affairs, social forces have joined the political arena. Women are one of the most important social forces that can be a subject in the field of politics and power. But the possibility or refusal of this feature is very much influenced by their mentality towards this field. The purpose of this article is to investigate how women perceive and understand the political issue and build political subjectivity from their perspective. For this purpose, the theme analysis method and individual interview technique (35 people) and focus groups (4 groups of four people) of Tehrani women aged 25 years and above and with a bachelor's degree or higher and were selected by purposive sampling method were used. became. According to the results of this article, in response to the first question, there are four themes of gender stuttering in the political sphere, tension in the political sphere, gender alienation in the political sphere, and aversion to morality in the political arena, and in response to the second question, there are four themes of the sterile presence of women in the field of power, women As the seat of power square, the rejection of femininity in political

* PhD in Political Sociology, Faculty of Social Sciences, Allameh Tabataba'i University, Lecturer at Allameh Tabataba'i University, z.moradinezhad@gmail.com

** Associate Professor of Department of Women's Studies, Allameh Tabataba'i University (Corresponding Author), mt.karami@yahoo.com

*** Associate Professor of Department of Sociology, Allameh Tabataba'i University, saeedeh.amini280@gmail.com

Date received: 13/02/2023, Date of acceptance: 26/09/2023



subjectivity and the coordinates of female politics were extracted. Also, the results of the research indicate three important points: 1. The political issue of gender in Iranian society is a function of the political issue in its social totality. 2. Due to the interweaving of the political and gender issues in women's experience, it is not possible to understand women's political activism without gender sensitivities. 3. The centrality of men in political experience leads to the rejection of women's issues and experience in political relationships and disputes, and discouragement and boredom of women from the political sphere.

Keywords: women and political matter, political subjectivity, understanding of gender inequality, women's interpretation of political matter and construction of women's political subjectivity.



زنان ایرانی و سپهر سیاست

(فهم امر سیاسی و برساخت سوژگی سیاسی زنانه)

زینب مرادی نژاد*

محمدتقی کریمی قهی**، سعیده امینی***

چکیده

در هم تنیدگی امر سیاسی و اجتماعی، سبب پیوند نیروهای اجتماعی به عرصه سیاست شده است. زنان از مهم‌ترین نیروهای اجتماعی‌اند که می‌توانند در عرصه سیاست و قدرت، سوژگی داشته باشند. اما امکان یا امتناع این سوژگی بسیار متأثر از ذهنیت آنها نسبت به این حوزه است. هدف مقاله حاضر بررسی چگونگی درک و فهم زنان از امر سیاسی و برساخت سوژگی سیاسی از منظر آنهاست. بدین منظور از روش تحلیل مضمون و تکنیک مصاحبه فردی (۳۵ نفر) و گروه‌های کانونی (۴ گروه چهار نفره) از زنان تهرانی ۲۵ ساله به بالا و دارای مدرک لیسانس و بالاتر بوده‌اند و با روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند، استفاده شد. براساس نتایج این مقاله، در پاسخ به سوال اول چهار تم لکت جنسیتی امر سیاسی، تنش‌مندی سپهر سیاسی، الیناسیون جنسیتی در امر سیاسی و اخلاق‌گریزی میدان سیاست و در پاسخ به سوال دوم نیز چهار تم حضور عقیمانه زنان در عرصه قدرت، زنان به مثابه نیمکت نشین میدان قدرت، طرد زنانگی در سوژگی سیاسی و مختصات سیاست‌ورزی زنانه استخراج گردید. همچنین نتایج پژوهش حاکی از سه نکته مهم است: ۱. امر سیاسی جنسیتی در جامعه ایران تابعی از امر سیاسی در کلیت اجتماعی آن است. ۲. با توجه به در هم تنیدگی امر سیاسی و امر جنسیتی در تجربه زنان، نمی‌توان کنشگری سیاسی زنان را بدون حساسیت‌های جنسیتی

* دکترای جامعه‌شناسی سیاسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی، مدرس دانشگاه علامه طباطبائی،

z.moradinezhad@gmail.com

** دانشیار گروه مطالعات زنان، دانشگاه علامه طباطبائی (نویسنده مسئول)، mt.karami@yahoo.com

*** دانشیار گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبائی، saeedeh.amini280@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۲۴، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۷/۰۴



فهم کرد. ۳. محوریت مردان در تجربه سیاسی موجب طرد موضوعات و تجربه زنانه در مناسبات و مناقشات سیاسی طرد شوند و دلسردی و دلزدگی زنان از سپهر سیاسی می‌گردد.

کلیدواژه‌ها: زنان و امر سیاسی، سوژگی سیاسی، درک از نابرابری جنسیتی، تأویل زنانه امر سیاسی و برساخت سوژگی سیاسی زنان.

۱. مقدمه و بیان مسئله

تحولات دهه‌های اخیر در حوزه جهانی حاکی از اهمیت امر سیاسی و مسائل مربوط به آن است؛ به نحوی که امروزه شاهد ظهور تعاریفی از سیاست و امر سیاسی هستیم که نه منحصرأ در سطح و محدوده پدیده‌ای به نام دولت، بلکه به مثابه پدیده‌ای در همه روابط، جلوه‌ها و نهادهای اجتماعی است. از این‌رو، به نظر می‌رسد با توجه به گسترش همه‌جانبه سیاست به سایر ابعاد و همچنین نظر به این‌که در دوره مدرن، «سیاست و قدرت» با دقتی بیش از گذشته و با تأکیدی خاص، بستر تعامل نیروهای اجتماعی — سیاسی را در جهان موجب گردیده است، ناگزیر از شناخت آن هستیم.

از طرف دیگر، در کنار اهمیت سیاست و امر سیاسی و ظهور و بروز آن در سایر ابعاد زندگی، یکی دیگر از مظاهر جهان کنونی، رشد آگاهی زنان و حضور فعال آنها در عرصه‌های مختلف است. در این زمینه باید به دو نقطه عطف اشاره کرد: در وهله اول، وقوع انقلاب صنعتی و رشد تغییرات در سطح جهان که باعث شد، شیوه‌های سنتی کسب و کار تغییر پیدا کند. حضور زنان در کارگاه‌ها و کارخانه‌ها به آنها احساسی از هویت جمعی را بخشید که پیش‌تر نمی‌توانستند آن را تجربه کنند. کسانی که نقطه اتصال خود را جنسیت خویش می‌دانستند و می‌خواستند حقوق مبتنی بر آن را از جامعه دریافت کنند. در وهله دوم، وقوع جنگ جهانی اول بود که پس از آن زنان توانستند به حق رای دست یابند و بدین ترتیب مسیر برای حضور آنها در حوزه عمومی هموارتر شد.

گسترش ارتباطات جهانی و ظهور گفتمان‌های جنسیتی رقیب در عرصه جهانی و رواج رویکردهای فمینیستی متعدد با زاویه دید متنوع زمینه بازاندیشی زنان را درباره موقعیت، جایگاه و نقش خود فراهم نمود. در این عرصه زنان ایرانی از این بازاندیشی بی‌بهره نبوده‌اند و در مسیر تجدید حیات فکری خود گام‌های موثری برداشته‌اند و هر زمان که گشایش ساختاری رخ داده است به مثابه عاملان اجتماعی به عرصه آمده‌اند. حضور گسترده زنان در عرصه آموزش عالی و سیر صعودی آن در دهه‌های اخیر مصداق مهمی برای عاملیت زنان است. اما علی‌رغم

حضور زنان ایرانی در عرصه‌های عمومی و مشارکت فعال و موثر به لحاظ کمی و کیفی در نظام آموزشی و تحصیلات عالی، بهداشتی و پزشکی و همچنین فعالیت‌های اقتصادی و فرهنگی اما کنشگری آنان در عرصه سیاست کم‌رنگ و کم‌فروغ است گویی که توسعه نامتوازنی در حوزه زنان رخ داده است و به لحاظ سیاسی و مدیریتی در فضایی نابرابر با مردان به سر می‌برند.

چرایی این مسئله را می‌توان به دو گونه صورت‌بندی کرد: ۱. بافت جامعه ایران به گونه‌ای است که از سوژگی سیاسی زنان ممانعت می‌کند و ورود زنان به عرصه سیاست را با مشکل رو به رو کرده است. به عبارت دیگر، زمینه و بستر مناسب برای حضور زنان هم به لحاظ ساختاری و عرفی - نگرش‌های کلیشه‌های غالب جنسیتی- و هم به لحاظ قانونی وجود ندارد. ۲. زنان به گونه‌ای تربیت شده‌اند که تمایلی ندارند خود را به عنوان یک سوژه سیاسی به خود و جامعه معرفی کنند. به بیان دیگر، اگر به لحاظ تاریخی نگاه کنیم می‌بینیم که زنان همواره در حاشیه بوده‌اند و طی فرآیند جامعه‌پذیری این در حاشیه بودن در آن‌ها نهادینه شده است و این امر در کنش‌هایشان نیز نمود پیدا کرده و در نهایت سبب شده سوژگی زنان در عرصه سیاست کم‌رنگ باشد.

از این‌رو، آنچه مقاله حاضر قصد مطالعه آن را دارد، صورت‌بندی اول مسئله است. به بیان دیگر، این نکته که اصولاً بافتار و ساختار جامعه ایران به گونه‌ای است که مانع از سوژگی سیاسی می‌شود و وجود موانع ساختاری ورود زنان به عرصه سیاست را با مشکل رو به رو کرده است. به عبارت دیگر، زمینه و بستر مناسبی که زنان در آن بتوانند به آسانی و فارغ از قید و بندهای ساختاری و عرفی - نگرش‌های کلیشه‌های غالب جنسیتی- به میدان سیاست وارد شود و در این حوزه صاحب اثر و نقش باشد، وجود ندارد. برای بررسی این مسئله باید با یک رویکرد تفسیری - انتقادی به چگونگی فهم و درک زنان از امر سیاسی و همچنین چگونگی برساخت سوژگی سیاسی زنان از منظر آنها پرداخت. به عبارتی دیگر، مسئله‌ای که منجر به آغاز این مقاله گردیده، این است که اساساً زنان چه معنایی برای امر سیاسی قائل‌اند و چگونه سوژگی سیاسی را برساخت می‌کنند؟

۲. پیشینه پژوهش

کریمی و دیگران (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان «بررسی سوژگی زنان در شکل‌گیری گفتمان انقلاب اسلامی» چنین بیان نمودند که زنان در حدودت گفتمان انقلاب اسلامی در جایگاه

سوژه‌ای نقش آفرین و خلاق قرار گرفته‌اند و شیوه‌های متعدد و متنوعی را برای مبارزه به کار می‌گرفتند. بخشی از سوژه شدن زنان در مبارزات انقلابی به جو انقلابی جامعه مربوط می‌شود. از چشمگیرترین شیوه‌های کنشگری زنان در برقراری گفتمان جدید، گسترش استفاده از حجاب در میان زنان بوده است. شیخ زاده و آصفری (۱۳۹۹) پژوهشی با عنوان «ارزیابی مشارکت سیاسی زنان بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و عوامل مؤثر بر آن» انجام دادند. تحلیل داده‌ها نشان داد که مشارکت سیاسی زنان (در جایگاه رأی‌دهنده) در انتخابات بالاست، اما در مواردی مثل عضویت در احزاب سیاسی، میزان مشارکت متوسط است. پیروزی انقلاب اسلامی از طریق چهار متغیر باعث افزایش مشارکت زنان شده است که این متغیرها عبارتند از: افزایش اعتماد اجتماعی، شکل‌گیری هویت اسلامی - انقلابی، تقویت بعد تکلیفی مشارکت سیاسی، گسترش آموزش زنان در مقاطع مختلف تحصیلی که با افزایش میزان آشنایی آنها با حقوق و تکالیفشان همراه بوده است و تغییر ساختار سیاسی و حاکمیت نظام مردم‌سالاری دینی که با ایجاد نهادهای انتخابی زمینه مشارکت سیاسی زنان را فراهم نموده است. بنی‌نیا و اُرهان (۲۰۲۱) پژوهشی با عنوان «زن به مثابه نماد سیاسی در ایران: نگرشی تطبیقی بین رژیم پهلوی و انقلاب اسلامی» انجام دادند. به باور آنها زنان ایرانی یکی از مهم‌ترین موضوعات بحث‌های سیاسی اجتماعی پس از انقلاب اسلامی ایران بوده‌اند. این مقاله با نگاهی تطبیقی بر رژیم شاه و دوران پس از انقلاب به منظور پی‌بردن به آنچه در حقوق زنان ایران پس از انقلاب اسلامی تغییر کرده است، پرداخته است. استدلال می‌شود که در هر دو دوره، زنان به عنوان یک نماد سیاسی توسط رژیم‌ها استفاده می‌شدند. نکته دیگر این است که رهبرانی که پس از انقلاب ایران بر کشور حکومت می‌کنند، نگرش متفاوتی نسبت به حقوق زنان دارند. پس از انقلاب اسلامی ایران، حقوق زنان بسته به دیدگاه رؤسای جمهور در مورد مسائل زنان بوده است. این موضوع در چارچوب نقش زنان در زندگی اجتماعی و سیاسی، میزان مشارکت آنان در سیاست، سیاست‌های دولت‌های مختلف در مورد پوشش زنان و حقوق تحصیلی آنان مورد بررسی قرار گرفته است.

در خوانش انتقادی پژوهش‌های اشاره شده می‌توان به این مسئله پی‌برد که پژوهش‌های مذکور، به فهم ذهنیت و زیست جهان زنان در مورد امر سیاسی و قلمرو سیاست کاملاً بی‌توجه بوده‌اند و صرفاً با روش تحلیلی - توصیفی به رابطه زنان و امر سیاسی پرداخته‌اند. از این‌رو، دغدغه مقاله حاضر این است که با رویکرد تفسیری - انتقادی درصدد شناخت درک و فهم

زنان از امر سیاسی و چگونگی برساخت سوژگی سیاسی از زاویه فهم ذهنیت و زیست‌جهان زنان برآید؛ تا بدین وسیله خلأ موجود در پژوهش‌های گفته شده را مرتفع نماید.

۳. چهارچوب مفهومی

برای بررسی مسئله زنان و حضور آنها در میدان سیاست، لازم است پژوهشگران یک چشم‌انداز اختیار نمایند. برای انجام این امر مهم، از سه دیدگاه فمینیسم رادیکال (کیت میلِت)، ژاک لاکان و آلن تورن استفاده و جهت ارائه یک فضای مفهومی مناسب برای بررسی بهتر مسئله، سه مفهوم "درک از نابرابری جنسیتی، سوژگی و سیاست سوژه" استخراج شده است.

فمینیست‌های رادیکال تمام ساختارهای وجودی جهان را «مردانه» می‌دانستند و بر این باور بودند که ریشه نابسامانی‌های جهان از عواقب «مردانه» بودن آن است. به عبارت دیگر، فمینیست‌های رادیکال تمامی نمودهای استثمار را برآمده از «مردانه» بودن جهان در نظر می‌گرفتند و رفع آن را نیز مستلزم یک انقلاب جنسیتی در مقیاس جهانی، می‌دانستند و آزادی جنس مؤنث را مبنایی برای انقلاب جهانی، در نظر می‌گرفتند (دانبِر، ۱۹۷۰: ۵۰). کیت میلِت (Kate Millett)، یکی از نظریه‌پردازان شاخص فمینیسم رادیکال در کتاب خود، *سیاست جنسی (Sexual Politics)* که نام آن ربط میان سیاست و جنس را القا می‌کند، چگونگی مبتنی شدن نظام سلطه را بر اصل پدرسالاری برمی‌شمرد. از نگاه او در هر شرایطی وقتی گروهی به گروه دیگر سلطه دارد و آن را رهبری می‌کند، رابطه میان آنها سیاسی خواهد بود و هنگامی که چنین رابطه‌ای از نظر زمانی طولانی شود، یک ایدئولوژی تدوین خواهد کرد (میلِت، ۱۹۷۰: ۱۱۱). از نظر فمینیست‌های رادیکال، همان‌گونه که پدرسالاری نظامی عام و فراگیر است مبارزه با آن نیز باید عام باشد و فراتر از بر هم زدن روابط سلطه در همه نهادها، از میان بردن یا تغییر شکل و محتوای همه نهادهایی را شامل شود که این نظام را بازتولید می‌کنند و با از میان بردن این نظام است که انسانیت راستین به منصفه ظهور می‌رسد (مشیرزاده، ۱۳۸۲: ۲۴۰). با توجه به این‌که در ایران نیز وضعیت زنان و مردان به لحاظ دسترسی به فرصت‌ها و منابع به گونه‌ای است که نابرابری جنسیتی مذکور به وضوح قابل مشاهده می‌باشد؛ در شرایط نابرابری جنسیتی، زنان چگونه امر سیاسی را درک می‌کنند و چه تصویری از آن دارند؟

ژاک لاکان سوژه را به دو بخش خودآگاه و ناخودآگاه تقسیم می‌کند و نظریه خود را با سه مفهوم امر خیالی، امر نمادین و امر واقع شرح داده است. وی امر خیالی را ناظر به درک و تصویری می‌داند که سوژکتیویته از خویش‌تن دارد. لاکان معتقد است در مراحل بعدی،

آنچه نقش مهمی در شکل‌گیری سوژکتیویته به صورت سوژه مستقل دارد، آینه است (هال، ۲۰۰۴: ۸۰). «من» در این مرحله شکل می‌گیرد؛ چرا که «من» را می‌توان رسوب تصاویر آرمانی دانست که در دوره آینه‌ای درونی شده‌اند (استاوراکاکیس، ۱۳۹۲؛ ۳۸). لاکان جدا از امر خیالی یک امر نمادین نیز برای سوژه در نظر می‌گیرد که در زبان و ساختارهای زبانی و فرهنگ تبلور می‌یابد (هال، ۲۰۰۴: ۹۶) و در واقع سوژکتیویته در نظام زبانی به وجود می‌آید و همین ساختارهای زبانی و فرهنگ بر سوژه حاکم است و بر آن سیطره دارد (شیری و همکاران، ۱۳۹۱: ۸۶). امر واقع از جایی شروع می‌شود که واقعیت به پایان می‌رسد و همان امری است که نظم نمادین و خیالی که بر سازنده واقعیت است را نفی می‌کند و به مثابه نوعی ساخت ابدی فقدان بر جای می‌ماند (مهدی‌زاده، ۱۳۸۹). از این رو می‌توان گفت که وی سوژگی انسان را در گرو ورود به ساحت نمادین می‌پندارد اما با وجود این که ساحت نمادین را سامانی از پیش آماده شده فرض می‌کند، به دلیل فقدان در خود گفتمان‌ها و ساحت نمادین امکان گسست و مقاومت در برابر آن را برای سوژه ممکن می‌سازد. از این رو، با توجه به مفهوم سوژه مورد نظر لاکان، زنان چگونه در شرایط موجود، سوژگی سیاسی را بر ساخت می‌کنند و یا چه مواجهه‌ای با امر سیاسی دارند؟

آلن تورن در آثار خود اصطلاح «سیاست سوژه» را تئوریزه کرد و از سوژه به مثابه کانونی و اساسی‌ترین کنشگر در متصل کردن هویت و تکنیک و به طور کلی کنترل تاریخ‌مندی جوامع نوپدید و تطور «گونه‌های رفتاری» یاد کرد (تورن، ۱۳۹۹: ۲۹۴-۳۰۴). وی در کتاب بازگشت کنشگر: نظریه اجتماعی در جامعه پسا صنعتی (۱۹۸۸)، تحولاتی فرادی دهه ۱۹۶۰ میلادی را مقارن ب فروری شتابان ساختارها و گفتمان‌های ایدئولوژیک مستقر و توسعه آرام و تدریجی زمینه‌های کنشگری اجتماعی می‌داند و نشان می‌دهد که با فرهنگی شدن درون مایه جنبش‌های اجتماعی، شاهد تغییر در جهت‌گیری سیاسی کنشگران اجتماعی خواهیم بود؛ بدین معنا که کنشگران دیگر در پی ساختن آرمان شهرها هستند نه به انگار «رهایی و گسست» باور داشته باشند. نتیجه این امر توجه بیش از پیش به توانایی سوژگی شخصی است (تورن، ۱۹۸۸: ۵۴). از این رو می‌توان گفت، سیاست سوژه عبارتند از مکان‌یابی سوژه انسانی در کانون کنش سیاسی به نحوی که هدف نهایی تمامی سیاست‌ها فراهم آوردن زمینه و بستری مناسب جهت تحقق وجود سوژه و ابراز آن در سطح سازمان اجتماعی باشد. بر این اساس، با توجه به رخداد تحول معنایی و عملی سوژه در دنیای کنونی، زنان چه برساختی از سوژگی سیاسی خود دارند؟

۴. روش پژوهش

مقاله حاضر با رویکرد تفسیری - انتقادی به دنبال دستیابی به فهم و درک زنان از امر سیاسی و چگونگی برساخت سوژگی سیاسی زنان از منظر آنها است. مقاله پیش‌رو مبتنی بر روش تحلیل تماتیک (مضمون) به شیوه قیاسی است. داده‌ها و اطلاعات از افراد نمونه در ارتباط با موضوع مقاله با استفاده از دو تکنیک مصاحبه فردی نیمه‌ساخت‌یافته و مصاحبه گروه‌های کانونی گردآوری شده است. جامعه آماری این مقاله، کلیه زنان ۲۵ سال به بالا تحصیل کرده لیسانس و بالاتر در شهر تهران است که درکی از امر سیاسی دارند و یا در عرصه سیاست حضور داشته‌اند، است که به صورت نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شده‌اند. در این مقاله، جهت تحلیل داده‌ها مصاحبه‌های ضبط شده پس از تبدیل به متن نوشتار چندین مرتبه مرور شده و به شیوه تحلیل مضمون، دلالت‌های آشکار و مکنون در نظرات مصاحبه‌شوندگان بر مبنای هر یک از محورهای مورد نظر استخراج گردید. منطبق با رویکرد گوبا و لینکون (۱۹۸۲)، به جای اعتبار و روایی کمی از معیار اعتماد پذیری یا قابلیت اعتماد استفاده شده که خود در بردارنده چهار معیار مجزا اما مرتبط به هم شامل باورپذیری، اطمینان پذیری، تأیید پذیری و انتقال پذیری است. جدول ذیل تعداد مصاحبه‌شوندگان را به تفکیک اطلاعات زمینه‌ای نشان می‌دهد.

جدول ۱. اطلاعات زمینه‌ای جمعیت نمونه پژوهش

وضعیت تأهل	وضعیت اشتغال	طبقه اقتصادی	رشته دانشگاهی	تحصیلات	سن	اطلاعات زمینه ای	
						نوع مصاحبه	و کد مصاحبه شونده
مجرد	کارمند	بالا	روابط بین الملل	کارشناسی ارشد	۳۷	۱	مصاحبه های فردی
مجرد	مدرس دانشگاه	بالا	روابط بین الملل	دکتری	۳۷	۲	
متاهل	دبیر	متوسط	زبان و ادبیات فارسی	دکتری	۳۵	۳	
مجرد	دبیر	بالا	تاریخ	کارشناسی ارشد	۳۸	۴	
متاهل	کارمند	متوسط	علوم سیاسی	دانشجوی دکتری	۴۶	۵	

۱۲۰ پژوهش‌نامه زنان، سال ۱۴، شماره ۳، پاییز ۱۴۰۲

وضعیت تأهل	وضعیت اشتغال	طبقه اقتصادی	رشته دانشگاهی	تحصیلات	سن	اطلاعات زمینه ای	
						نوع مصاحبه	و کد مصاحبه شونده
متاهل	کارمند	بالا	علوم سیاسی	کارشناسی ارشد	۴۷	۶	
متاهل	هیئت علمی بازنشسته و دبیر کل مجمع زنان اصلاح طلب	بالا	مدیریت استراتژیک	دکتری	۶۵	۷	
متاهل	بیکار	پایین	جامعه شناسی	کارشناسی ارشد	۳۳	۸	
متاهل	نماینده سابق مجلس و مشاور معاون رئیس جمهور در امور بانوان	بالا	علوم سیاسی و مطالعات بین‌الملل	کارشناسی ارشد	۵۵	۹	
متاهل	مدرس دانشگاه	متوسط	جامعه شناسی	کارشناسی ارشد	۳۳	۱۰	
متاهل	کارمند	پایین	برنامه ریزی شهری	کارشناسی	۴۵	۱۱	
متاهل	عضو سابق شورای شهر تهران	بالا	علوم سیاسی و علوم ارتباطات	دکتری	۵۸	۱۲	
متاهل	نماینده سابق مجلس و عضو سابق شورای شهر تهران	بالا	مدیریت	کارشناسی	۶۱	۱۳	
متاهل	عضو شورای مرکزی و قائم مقام مجمع زنان اصلاح طلب و عضو دفتر سیاسی حزب اتحاد ملت ایران های سیاسی	بالا	مدیریت محیط زیست	دکتری	۵۹	۱۴	
متاهل	پژوهشگر	متوسط	جامعه شناسی	دانشجوی دکتری	۳۲	۱۵	
متاهل	کارمند	متوسط	مدیریت فرهنگی	کارشناسی ارشد	۴۳	۱۶	

زنان ایرانی و سپهر سیاست ... (زینب مرادی نژاد و دیگران) ۱۲۱

وضعیت تأهل	وضعیت اشتغال	طبقه اقتصادی	رشته دانشگاهی	تحصیلات	سن	اطلاعات زمینه ای	
						نوع مصاحبه	و کد مصاحبه شونده
مجرد	وکالت	متوسط	حقوق ثبت اسناد و املاک	کارشناسی ارشد	۳۲	۱۷	
متاهل	بیکار	متوسط	جامعه شناسی فرهنگی	دانشجوی دکتری	۳۵	۱۸	
مجرد	کارمند	متوسط	علوم ارتباطات	کارشناسی ارشد	۴۰	۱۹	
مجرد	پژوهشگر	متوسط	جامعه شناسی سیاسی	دانشجوی دکتری	۳۲	۲۰	
متاهل	کارمند	بالا	حسابداری	دکتری	۳۱	۲۱	
مجرد	کارمند	متوسط	اقتصاد	دکتری	۳۵	۲۲	
مجرد	بیکار	متوسط	برنامه ریزی رفاه اجتماعی	کارشناسی ارشد	۳۵	۲۳	
متاهل	کارمند	بالا	جامعه شناسی سیاسی	دکتری	۳۷	۲۴	
مجرد	بیکار	متوسط	جامعه شناسی فرهنگی	دانشجوی دکتری	۳۷	۲۵	
متاهل	استاد مدعو	متوسط	رفاه و سیاستگذاری اجتماعی	دکتری	۳۹	۲۶	
مجرد	کارمند	بالا	حقوق عمومی	دانشجوی دکتری	۲۷	۲۷	
مجرد	بیکار	پایین	علوم تربیتی	دانشجوی دکتری	۳۵	۲۸	
مجرد	کارمند	بالا	مدیریت دولتی	دانشجوی دکتری	۳۵	۲۹	

۱۲۲ پژوهش‌نامه زنان، سال ۱۴، شماره ۳، پاییز ۱۴۰۲

وضعیت تأهل	وضعیت اشتغال	طبقه اقتصادی	رشته دانشگاهی	تحصیلات	سن	اطلاعات زمینه ای	
						نوع مصاحبه	و کد مصاحبه شونده
مجرد	کارمند	بالا	جامعه شناسی سیاسی	دانشجوی دکتری	۳۷	۳۰	مصاحبه های گروهی
متاهل	کارمند	متوسط	جامعه شناسی فرهنگی	دانشجوی دکتری	۳۷	۳۱	
متاهل	نماینده دور قبل تهران و هیئت علمی بازنشسته	بالا	علوم سیاسی	دکتری	۶۵	۳۲	
متاهل	هیئت علمی	بالا	روانشناسی	دکتری	۴۲	۳۳	
مجرد	کارمند	بالا	جامعه شناسی گرایش برس مسائل اجتماعی	دانشجوی دکتری	۴۷	۳۴	
متاهل	پژوهشگر	بالا	جامعه شناسی سیاسی	دانشجوی دکتری	۳۸	۳۵	
مجرد	بیکار	پایین	روابط بین الملل	کارشناسی ارشد	۳۰	۳۶	
متاهل	بیکار	بالا	جامعه شناسی سیاسی	دانشجوی دکتری	۴۰	۳۷	
متاهل	کارمند	بالا	مهندسی ایمنی و بازرسی کار	دکتری	۴۵	۳۸	
مجرد	کارمند	متوسط	مدیریت مالی	کارشناسی ارشد	۲۸	۳۹	
مجرد	مدیر بازاریابی و استاد مدعو	بالا	بازاریابی	دانشجوی دکتری	۳۶	۴۰	گروه دوم
مجرد	کارمند	متوسط	روابط بین الملل	دانشجوی دکتری	۳۶	۴۱	
مجرد	کارمند	متوسط	اقتصاد	دانشجوی دکتری	۳۱	۴۲	

زنان ایرانی و سپهر سیاست ... (زینب مرادی نژاد و دیگران) ۱۲۳

وضعیت تأهل	وضعیت اشتغال	طبقه اقتصادی	رشته دانشگاهی	تحصیلات	سن	اطلاعات زمینه ای	
						نوع مصاحبه	و کد مصاحبه شونده
متاهل	دبیر	متوسط	جامعه شناسی	کارشناسی ارشد	۳۲	۴۳	گروه سوم
متاهل	کارمند	بالا	جامعه شناسی	کارشناسی ارشد	۴۵	۴۴	
متاهل	کارمند	بالا	علوم سیاسی	کارشناسی ارشد	۳۹	۴۵	
مجرد	بیکار	بالا	جامعه شناسی فرهنگی	دانشجوی دکتری	۳۶	۴۶	
مجرد	استاد مدعو	متوسط	زبان و ادبیات عرب	دانشجوی دکتری	۳۸	۴۷	
متاهل	کارمند	متوسط	مدیریت	کارشناسی ارشد	۴۰	۴۸	گروه چهارم
مجرد	مدرس دانشگاه	بالا	فلسفه	دانشجوی دکتری	۳۸	۴۹	
مجرد	بیکار	پایین	مدیریت	کارشناسی ارشد	۳۰	۵۰	
مجرد	کارمند	متوسط	زبان و ادبیات عرب	کارشناسی ارشد	۳۸	۵۱	

میانگین مدت زمان مصاحبه، ۳۰ دقیقه بوده که یا به صورت حضوری و یا به صورت مجازی و از طریق برنامه واتساپ انجام شده است. یافته‌های حاصل از مصاحبه‌ها به شیوه اثبات از طریق مثال توصیف شده و مصادیق هر یک از مضمون‌ها به عنوان اشکالی از «تعاملات اجتماعی» (فی، ۱۳۸۱) ارائه گردید. بدین ترتیب با ذکر بخش‌هایی از متن مصاحبه، سعی داشتیم برداشت‌های منحصر به فرد هر یک از مصاحبه‌شوندگان را با محورهای مورد نظر حفظ نماییم.

۵. یافته‌های پژوهش

در این مقاله، بر مبنای نتایج به دست آمده از تحلیل مصاحبه‌ها نشان می‌دهیم که زنان چگونه امر سیاسی را درک و تفسیر و سوژگی سیاسی را برساخت می‌کنند. در ادامه بخشی از یافته‌های پژوهش را که به نظر می‌رسد توصیف‌کننده ذهنیت زنان مورد مطالعه در کلیت آن باشد، ارائه خواهد شد:

جدول ۲. تم‌های اصلی و فرعی مستخرج از متن مصاحبه

تم‌های اصلی	تم‌های فرعی	سوالات پژوهش
لکنت جنسیتی امر سیاسی	حوزه طرد شده و به حاشیه رفته سیاست برای زنان	چگونگی درک و تفسیر زنان از امر سیاسی (تاویل زنانه امر سیاسی)
	سیستم زن ستیزی و حذفی سیاست برای زنان	
	حوزه پرواز ممنوع امر سیاسی برای زنان	
	قلمرو مردانه امر سیاسی	
	عرصه عدم اعتماد به حضور زنان	
	عرصه بازیچه قرار دادن زنان	
	عرصه دیگری پنداشتن زنان	
تنش مندی سپهر سیاسی	عرصه پر هزینه سیاسی (عرصه پر گیر و گرفتاری سیاست)	
	عرصه پیامد دار بودن سیاست (نگران از دست رفتن خانواده)	
	عرصه تلاش مضاعف امر سیاسی برای زنان	
	عرصه لطمه خوردن به آرامش فرد	
	ناسازگاری عرصه سیاست با روحیه لطیف زنان	
الیناسیون جنسیتی در امر سیاسی	ساحت فزادنی سیاست برای زنان	
	رفتار واپس گرایانه زنان در عرصه سیاست	
	عقب نگه داشتن تاریخی زنان در عرصه سیاست	
اخلاق گریزی میدان سیاست	عرصه پنهان کاری سیاست	
	حوزه دروغ و عوام فریبانه سیاست	
	عرصه کثیف سیاست	
	عرصه از قبل تعیین شده سیاست	

تم‌های اصلی	تم‌های فرعی	سوالات پژوهش
حضور عقیمانه زنان در عرصه قدرت	حضور عطسه وار زنان در عرصه سیاست	چگونگی برساخت سوژگی سیاسی زنان (برساخت سوژگی سیاسی زنان از منظر آنها)
	بازی کردن نقش عمده سیاسی در عرصه سیاست	
	حضور فرمالیته و ویتروینی زنان در عرصه سیاست	
	جنبه شعاری گونه حضور زنان در عرصه سیاست	
	مهره شدن زنان در عرصه سیاست برای مقاصد مردان	
زنان به مثابه نیمکت نشین میدان قدرت	واگذاری نقش های حاشیه ای به زنان در عرصه سیاست	
	پشت پرده بودن زنان در عرصه سیاست	
	وارد بازی نکردن زنان در عرصه سیاست	
	واگذاری نقش های محافظتی به زنان در عرصه سیاست	
طرد زنانگی در سوژگی سیاسی	کپی برداری زنان از مردان در عرصه سیاست	
	استحاله شدن زنان در عرصه قدرت	
	حضور زنان مرد نما در عرصه سیاست	
	زنان سیاستمدارانی کانالیزه شده در عرصه سیاست	
مختصات سیاست‌ورزی زنانه	سیاست ورزی انسانی تر	
	سیاست ورزی مسئولیت پذیرانه تر	
	سیاست ورزی پاک دست تر	
	سیاست ورزی با وجدان تر	
	سیاست ورزی اثربخش تر	

(منبع: یافته‌های پژوهش)

۱.۵ تأویل زنانه امر سیاسی

سوال اول مقاله بدین قرار بود که زنان چگونه امر سیاسی را درک و تفسیر می‌کنند؟ جهت پاسخگویی به سوال مذکور، چهار تم زیر عنوان «تأویل زنانه امر سیاسی» تدوین گردیده است. تم تأویل زنانه امر سیاسی ناظر بر این نکته است که زنان امر سیاسی را چگونه درک و فهم می‌کنند و چه برداشتی از آن دارند که براساس مصاحبه‌های انجام شده، در ادامه به آنها پرداخته می‌شود.

۱.۱.۵ لکننت جنسیتی امر سیاسی

براساس تفسیر مصاحبه‌شوندگان، امر سیاسی و عرصه سیاست دچار یک نوع اختلال گفتاری به نام لکننت جنسیتی است؛ بدین معنا که عرصه مذکور یارای صحبت کردن در مورد زنان نیست. همان طور که چشم‌انداز فمینیست‌های لیبرال نیز به این نکته اشاره کرده که زنان در وضعیتی نامطلوب و نابرابر با مردان به سر می‌برند و از بسیاری امکانات و فرصت‌هایی که مردان در اختیار دارند، محروم هستند (باقری، ۱۳۸۲؛ ۴۵). برخی از مصاحبه‌شوندگان با تعبیر «حوزه طرد شده و به حاشیه رفته سیاست برای زنان» به لکننت جنسیتی امر سیاسی اشاره کرده‌اند. به زعم آنها امر سیاسی و عرصه سیاست در حوزه زنان را باید تاریخی دید. چون مناسبات قدرت و نظام‌های گفتمانی باعث شده است که این عرصه برای زنان به عرصه طرد شده باشد. عده دیگری از مصاحبه‌شوندگان قلمرو امر سیاسی را «سیستم زن ستیز و حذفی سیاست برای زنان» می‌پندارند و چنین بیان می‌دارند که ساختار قدرت و سیاست، یک ساختار زن ستیز است. به عقیده نمونه پژوهش قلمرو امر سیاسی مبتنی بر پذیرش هر دو جنس زن و مرد در یک چارچوب واحد و با وجود تفاوت دیدگاه‌ها و مواضع نیست بلکه مبتنی بر حذف و کنار گذاشتن زنان از بازی‌های سیاسی است. عده‌ای از پاسخگویان پژوهش بر این عقیده بودند که قلمرو امر سیاسی در واقع «حوزه پرواز ممنوع امر سیاسی برای زنان» است؛ بدین معنا که صاحبان این عرصه (مردان) چنین می‌پندارند که زنان حق ورود به حوزه مذکور را ندارند و باید از ورود به این حوزه خودداری کنند. همان‌طور که مصاحبه‌شونده شماره بیست‌وهشتم در این باره چنین بیان داشته است:

«قلمرو سیاسی نمیخواد زنی رو بپذیره که عاملیت داشته باشه و بخواد کنش سیاسی داشته باشه توی حوزه قدرت. چنین زنی رو کاملاً منکر میشه. کلاً از اساس این ماجرا نادیده گرفته شده است. به اصطلاح انگار پرواز و حضور زن در این حوزه، کاملاً ممنوعه.»

بر پایه اظهارات بسیاری از مصاحبه‌شوندگان، «قلمرو مردانه امر سیاسی» پنداشته می‌شود و ساختی مردانه به خود گرفته است و به طور کلی به نظر می‌رسد اختصاصاً به مردان تعلق دارد و زنان حق ورود به آن را ندارند؛ چرا که ساختاری کاملاً مردانه دارد. برخی دیگر از مصاحبه‌شوندگان نمونه پژوهش، عرصه سیاست را با مفهوم «عرصه عدم اعتماد به حضور زنان» بیان کرده‌اند. به عقیده آنها مردانی که صاحبخانه سیاست هستند به توانمندی و آگاهی زنان برای تصدی‌گری نقش‌های رده بالا سیاست اعتماد ندارند و به همین دلیل آنها را در

سیاست و امر سیاسی دخیل نمی‌کنند. همان‌طور که مصاحبه‌شونده شانزدهم در این زمینه چنین ابراز داشته است:

«عدم اعتماد دولتمردان به دخالت زنان در سیاست، درگیری و مشغله‌های خانوادگی که بیشتر گریبانگیر زنان است و دست و پاگیر هستند برای زنان و مانع از شرکت آنان در عرصه سیاست و عرض اندام آنها می‌شوند.»

عده‌ای از زنان مورد مصاحبه نیز امر سیاسی را «عرصه بازیچه قرار دادن زنان» تفسیر کرده‌اند. به بیان دیگر، آنها بر این عقیده بودند که در این حوزه زنان بیشتر بازیچه دست‌های قدرتمندان و صاحب منصبان سیاسی هستند تا آن‌که به طور حقیقی تصدی‌گر نقش‌های سیاسی در کشور باشند. همان‌طور که مصاحبه‌شونده شماره بیستم در این مورد چنین بیان داشته است:

«در عرصه سیاست زنان به بازی گرفته می‌شود تا این‌که به طور واقعی از آنها و همچنین از توانمندی‌ها و صلاحیت و لیاقتشون در عرصه سیاست بخوان استفاده کنن. به نوعی می‌تونم بگم مث خیلی دیگه از عرصه در عرصه سیاست هم زنان بازیچه دست مردان که صاحبان قدرت هستند، قرار می‌گیرند.»

بر پایه اظهارات بسیاری از مصاحبه‌شوندگان، امر سیاسی «عرصه دیگری پنداشتن زنان» تفسیر می‌شود. به زعم آنها در جامعه همیشه زن را به عنوان یک دیگری در نظر گرفته‌اند و این مسئله نشأت گرفته از این موضوع است که دال مرکزی دولت تمرکزگرا در ایران، مرد است که باعث شده زن همیشه به عنوان یک دیگری در حاشیه باقی بماند. همان‌طور که عظیمی هاشمی و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهش خود به مسئله نابرابری جنسیتی در عرصه سیاست اشاره کرده‌اند و در پژوهش مذکور تمامی زنان اعم از تحصیل‌کرده دانشگاهی و شاغل و غیردانشگاهی و غیر شاغل در عرصه سیاست با احساس نابرابری جنسیتی رو به رو بوده‌اند.

۲.۱.۵ تنش‌مندی سپهر سیاسی (تنش بین حوزه خصوصی و حوزه عمومی)

بر اساس تفاسیر مصاحبه‌شوندگان، می‌توان به این نکته پی برد که امر سیاسی و عرصه سیاست برای زنان یک عرصه دارای تنش است؛ به یک معنا سپهر سیاست برای زنان به مثابه سپهری تنش‌زاست و آن را همواره با تنش و چالش فهم می‌کنند؛ چرا که از همان ابتدای زندگی در طی جامعه‌پذیری و یادگیری نقش‌های جنسیتی به دختران حضور در عرصه خصوصی آموزش داده می‌شود و زنان چنین احساس می‌کنند که برای عرصه خصوصی، خودی و برای عرصه

عمومی بیگانه اند و از این رو، آنها خود را سازگار با سپهر خصوصی (خانه و خانواده) و ناسازگار با سپهر عمومی (سیاست) می‌بینند. به باور این گروه، این انتظار که زنان فعالیت‌ها و علایق خود را به عرصه خصوصی محدود کنند، آنان را به سمت افسردگی، انزوا و سرخوردگی می‌کشاند (باقری، ۱۳۸۲؛ ۱۴۴). برخی از مصاحبه‌شوندگان با تعبیر «عرصه پرهزینه سیاسی (عرصه پر گیر و گرفتاری سیاست)» به تنش‌مندی سپهر سیاسی اشاره کرده‌اند. بدین معنا که بر پایه اظهارات زنان مورد مصاحبه، قلمرو امر سیاسی هیچ شباهتی با حوزه خانواده ندارند و اقداماتی که در این حوزه باید انجام داد به مراتب بسیار سخت‌تر از انجام کارهای مربوط به خانه است. بنابراین آنها یک تنش را بین حوزه عمومی (امر سیاسی) و حوزه خصوصی (خانه و خانواده) قائل بودند. همان‌طور که مصاحبه‌شونده شماره شانزدهم در این مورد چنین ابراز داشته است:

«عرصه سیاست هیچ وجه اشتراکی با کارهایی که تا حالا زنان انجام می‌دادن و به طور سنتی انجام اونا به عهده زنان بوده نداره و یه عرصه پر مشغله و پرگرهی باشه. شاید دلیل این حرفم این باشه که نداشتن باهوش آشنایی پیدا کنیم و واردش بشیم و اون رو همیشه دور از دسترس خانما قرار دادن.»

برخی از مصاحبه‌شوندگان با تعبیر «عرصه پیامد دار بودن سیاست (نگران از دست رفتن خانواده)» به این مسئله اشاره کرده‌اند. بدین معنا که بر پایه بیانات زنان مورد مصاحبه، ورود به عرصه سیاست باعث بازماندن از کارهای حوزه خصوصی و خانواده خواهد شد و یکی از مهمترین نگرانی‌های آنها باعث از هم پاشیده شدن خانواده آنهاست. عده‌ای دیگر از مصاحبه‌شوندگان با مفهوم «عرصه تلاش مضاعف امر سیاسی برای زنان» به تنش‌مندی سپهر سیاسی اشاره کرده‌اند. بدین معنا که زنان مورد مصاحبه بر این باور بودند که حضور زنان در عرصه سیاست می‌تواند نوعی فشار مضاعف بر زنان وارد آورد؛ چرا که زنی که وارد قلمرو امر سیاسی می‌شود که هم در حوزه خصوصی و خانواده باید تمام سعی و تلاش‌شان را به کار گیرند که وظایف خود را به بهترین شکل ممکن انجام دهند و به انگ دچار نشوند که چون وارد عرصه سیاست شده‌اند نمی‌توانند وظایف خود را در خانه به درستی انجام دهند. عده‌ای از زنان مورد مصاحبه نیز بحث تنش‌مندی سپهر سیاسی را با تعبیر «عرصه لطمه خوردن به آرامش فرد» تفسیر کرده‌اند. بدین معنا که ورود به قلمرو امر سیاسی به دلیل عدم همخوانی که این عرصه با عرصه خصوصی دارد که در آن فرد خیلی راحت کارهای روزانه خود را

انجام می‌دهد و یک روزمرگی بدون تنش و استرس را سپری می‌کند، موجب سلب آرامش از فرد می‌شود. مصاحبه‌شونده شماره بیست و پنج نیز در این زمینه چنین ابراز داشته است:

«به شخصه به دنبال مناصب سیاسی نیستم؛ چرا که فک می‌کنم یه عرصه بسیار تنش‌زا است و ورود به اون هم اعصاب میخواد و هم حوصله و از اونجایی که من آرامش رو به هر چیزی در زندگی ترجیح می‌دم نمی‌تونم وارد این عرصه بشم.»

برخی از مصاحبه‌شوندگان با تعبیر «ناسازگاری عرصه سیاست با روحیه لطیف زنان» به این ایده اشاره کرده‌اند. بدین معنا که بر پایه متون پیاده شده حاصل از مصاحبه زنان نمونه پژوهش، از آنجا که از یک طرف عرصه سیاست، یک عرصه خشن و زمخت است و از طرف دیگر زنان دارای یک روحیه حساس و لطیف هستند، یک تنش و تناقض بین زنان و حضورشان در عرصه سیاست پدید می‌آید که می‌تواند تبعات بسیار سنگینی برای زنان داشته باشد.

۳.۱.۵ الیناسیون جنسیتی در امر سیاسی

قلمرو سیاسی، عرصه‌ای است که زنان در آن جذب تفکر مردانه می‌شوند. به عبارت دیگر، سپهر سیاسی حکایت از حاکمیت تفکر مردانه به مثابه موجودی نامرئی و مسلط بر زنان دارد که آنها را به صورت ناخودآگاه دچار نابه‌سامانی فکری و آنومی جنسیتی می‌کند و به اندیشه و رفتار آنها در عرصه سیاست شکل و جهت می‌دهد. از این‌رو، بر پایه اظهارات مصاحبه‌شوندگان سپهر سیاسی برای زنان، سپهری است که آنها را دچار از خودبیگانگی جنسیتی می‌کند و از جمله دلایل این امر آن است که به لحاظ تاریخی آنها را از این عرصه دور نگه داشته‌اند. پاسخگویان پژوهش در مواردی با تعبیر «ساحت فرا ذهنی سیاست برای زنان» به این مسئله اشاره کرده‌اند. بدین معنا که گویا عرصه عملی قلمرو امر سیاسی و سیاست با اندوخته‌های نظری و آکادمیک زنان هیچ‌گونه همخوانی و هم‌نوایی ندارد؛ چرا که همیشه سد راه زنان برای ورود به این عرصه شده‌اند. عده‌ای دیگر از پاسخگویان پژوهش، بحث الیناسیون جنسیتی در امر سیاسی را با تعبیر «رفتار واپس‌گرایانه زنان در عرصه سیاست» تفسیر کرده‌اند و بر این باور بوده‌اند که زنان در حوزه امر سیاسی نمی‌توانند به گونه مردان در این حوزه موفق باشند؛ چرا که به علت عدم آشنایی با حوزه مذکور، به نوعی توانایی اقدام موثر از آنها گرفته می‌شود و به جای آن‌که هر روز در این حوزه حرکت رو به جلو داشته باشند؛ حرکت‌های

عقب‌گرد خواهند داشت. همان‌طور که مصاحبه‌شونده شماره پنجم در این خصوص چنین اظهار داشته است:

«بعضی از زنان فک می‌کنند در عرصه سیاست عاملیت دارند در رفتار خود چه بسا رفتارهای واپس‌گرایانه داشته باشن؛ چراکه اون سیاست‌های رفتاری و باورهای ما براساس ساختار به ما دیکته میشه و ما آگاهی خودمختارانه رو نداریم.»

برخی از نمونه پژوهش حاضر، با تعبیر «عقب‌نگه‌داشتگی تاریخی زنان در عرصه سیاسی» بحث الیناسیون جنسیتی در امر سیاسی را تفسیر کرده‌اند. این گروه از پاسخگویان قائل به یک عقب‌نگه‌داشتگی تاریخی در خصوص ورود زنان به عرصه سیاست هستند و به زعم آنها سالیان سالیان است که زنان در استبداد دنیای مردان زیسته، تحقیر شده و عقب‌نگه‌داشته شده است. آلیسون جاگر (Alison Jagger) در کتاب *سیاست فمینیستی و طبیعت انسان* (Nature Feminist Politics and Human) مفهوم «از خود بیگانگی» را معرفی کرد. وی بر این باور بود که زنان در تمامی میدان‌ها و عرصه‌ها بر سر جلب «نظر مرد» یعنی برای جلب تأیید و پسند مردان با زنان دیگر در رقابت هستند (تانگ، ۱۳۹۳: ۳۰۲-۳۰۰). از این رو، به عقیده جاگر در امر سیاسی از آنجا زنان چنین می‌اندیشند که به این عرصه تعلق ندارند همواره به دنبال تأیید و تشویق مردان هستند که صاحبان این عرصه به شمار می‌آیند و این مسئله به مرور زمان آنها را از خود بیگانه می‌کند و دنباله‌روی مران می‌شوند.

۴.۱.۵ اخلاق‌گریزی میدان سیاست

براساس تحلیل مصاحبه‌ها می‌توان گفت، برخی از مصاحبه‌شوندگان قلمرو امر سیاسی را عرصه‌ای به دور از منش‌های اخلاقی و فاقد شفافیت تفسیر کرده‌اند. به زعم این عده از نمونه پژوهش، معمولاً افرادی به سراغ سیاست می‌روند که یک سری ویژگی‌ها و اخلاقیات خوب همچون درستکار بودن را کنار بگذارد و در مقابل یک سری خصیصه و منش‌ها همانند دروغ‌گویی، تظاهر و فریب را یاد گرفته باشند. در مصاحبه‌های انجام شده، برخی از مصاحبه‌شوندگان قلمرو امر سیاسی را با تعبیر «**عرصه پنهان‌کاری سیاست**» تفسیر کرده‌اند. به عقیده آنها حوزه سیاست و شفافیت جمع‌نقیضین است و این دو هیچگاه در یک مکان در کنار همدیگر قرار نمی‌گیرند؛ چرا که اقتضای حوزه مذکور پنهان‌کاری است. همان‌طور که مصاحبه‌شونده شماره هجدهم در این خصوص چنین بیان داشته است:

«احساس می‌کنم سیاست کلاً میدان یا به حوزه سالم و شفاف نیست و به سری ویژگی‌ها
خصصیت‌ها و مولفه‌های اجباری رو باید داشته باشن یا به بیان دیگه این ویژگی‌ها خودشون به
آدم‌های این حوزه تحمیل می‌کنن. ممکنه خیلی مثلاً اخلاقی صادقانه و شفاف نباشن.»

عده‌ای دیگر از پاسخگویان پژوهش، بحث اخلاق‌گریزی میدان سیاست را با تعبیر «حوزه
دروغ و عوام فریب سیاست» تفسیر کرده‌اند و بر این باور بوده‌اند که زنان در عرصه سیاست
با توجه به ساختار بدنی و روحیات خود مسلماً به نسبت مردان به شدت آسیب‌پذیر و شکننده
هستند؛ چرا که دنیای سیاست یک دنیای خشن است که در آن که در این دنیا دروغ، تزویر،
ریا، تهمت و تحقیر است. در بین نمونه پژوهش حاضر، برخی نیز اخلاق‌گریزی میدان
سیاست را با تعبیر «عرصه کثیف سیاست» تفسیر کرده‌اند. به زعم آنها افراد درستکار و صادق
به سمت عرصه سیاست نخواهند رفت؛ چرا که در این عرصه برای دستیابی به اهداف و
رسیدن به جایگاه والا باید خیلی از اخلاقیات زیر پا گذاشته شود. بنابراین می‌توان چنین نتیجه
گرفت که کسانی که اخلاق‌مدار هستند و خود را مقید به یک سری منش‌های اخلاقی می‌دانند
نمی‌توانند به این عرصه وارد شوند و یا در آن دوام بیاورند. این مطلب در اظهارات
مصاحبه‌شونده شماره بیست و یکم اشاره شده است:

«سیاست بسیار عرصه کثیفه. همش رانت و رانت خواریه. اصن به نظرم از دو حالت بیشتر
خارج نیست: یا این که آدمای کثیف به سمت سیاست میرن و یا این که در این عرصه
خواه‌ناخواه کثیف می‌شن؛ چون این عرصه بسیار کثیف هستش. منظورم از کثیف بودن اینه که
در این حوزه برا این که به جایی که می‌خوای برسی باید دست به هر کاری بزنی.»

در موارد زیادی از مصاحبه‌های انجام شده، بحث اخلاق‌گریزی میدان سیاست را با تعبیر
«عرصه از قبل تعیین شده سیاست» تفسیر کرده‌اند. این عده از پاسخگویان بر این عقیده بودند
که فضای سیاسی به نحوی است که همه چیز از قبل مشخص شده است و به نوعی می‌توان
گفت هیچ چیز روند عادی را برای انتخاب شدن طی نمی‌کند.

۲.۵. برساخت سوژگی سیاسی از منظر زنان

سوال دوم مقاله بدین قرار بود که سوژگی سیاسی زنان چگونه برساخت می‌شود؟ جهت
پاسخگویی به سوال مذکور، چهار تم زیر عنوان «برساخت سوژگی سیاسی از منظر زنان»
تدوین گردیده است. عنوان مذکور اشاره به این مطلب دارد که چگونه معنای ذهنی زنان به

واقعیت اجتماعی سوژگی سیاسی زنان تبدیل می‌شود؟ نکته‌ای که در اینجا مدنظر قرار دارد چگونگی برساخت سوژگی سیاسی زنان بر پایه تفاسیر و معنای ذهنی آنها از این مسئله است که در ادامه به توضیح آنها پرداخته می‌شود:

۱.۲.۵ حضور عقیمانه زنان در عرصه قدرت

در اغلب مواقع، در بازی‌های عرصه قدرت و سیاست زنان حضوری بی نتیجه و عقیم دارند. زنان در عرصه سیاست همان کسانی هستند که برای مقاصد دیگران عمل کرده و در صحنه روزگار در جهت تطمیع اهداف مردان حاضر در صحنه سیاست در تکاپو هستند. در واقع فاقد اراده سیاسی قوی معمولاً چشم به دهان بازی‌گردانان سیاسی دوخته و نادانسته یا دانسته خود را قربانی مقاصد آنان می‌کنند. عده‌ای از زنان مورد مصاحبه حضور عقیمانه زنان در عرصه قدرت را با تعبیر «حضور عطسه‌وار زنان در عرصه سیاست» تفسیر کرده‌اند. همان‌طور که بازیگران عرصه تئاتر تنها برای مدت زمان مشخصی به صحنه می‌آیند و پس از اتمام نمایش خود از صحنه خارج می‌شوند، زنان نیز در عرصه سیاست بدین گونه‌اند. این مطلب در اظهارات مصاحبه‌شونده شماره پنجم اشاره شده است:

«خیلی جاهای عرصه قدرت منطقه ممنوعه برا زنان تلقی میشه و اگر هم این مناطق برای زنان چند ساعتی درش باز بشه و به اندازه عطسه‌ای زنان در آن محل اثر باشند اون قدر این کوتاه که ذهنیت مردم باقی نمی‌مونه. چون این حضور عطسه‌وار بوده و برای یک لحظه بوده است.»

عده‌ای از زنان مورد مصاحبه، این ایده را با تعبیر «بازی کردن نقش عمده سیاسی در عرصه سیاست» تفسیر کرده‌اند. بدین معنا که زنان در عرصه سیاست حضور دارند اما این حضور به معنای یک حضوری با طرح و نقشه قبلی است و در استای انجام یک سری وظایف از پیش تعیین شده در عرصه سیاست فراخوانده می‌شوند. به باور آنها، همانند کارگران یک بنا که وظیفه‌ای از قبل مشخص شده دارند و هر یک بخشی از کار ساختن بنا برای سرکارگر را به عهده می‌گیرند. در موارد زیادی از مصاحبه‌های انجام شده، حضور عقیمانه زنان در عرصه قدرت را با تعبیر «حضور فرمالیته و ویتروینی زنان در عرصه سیاست» تفسیر کرده‌اند. در این مورد، به زعم برخی از مصاحبه‌شوندگان آنچه هم‌اکنون در حوزه سیاست جریان دارد حضور نمایشی و فرمایشی زنان است. در حوزه تصمیم‌گیری زنی وجود ندارد که به معنای واقعی

زنان ایرانی و سپهر سیاست ... (زینب مرادی نژاد و دیگران) ۱۳۳

کلمه قدرت داشته باشد و نقشی کلیدی در عرصه سیاست ایفا کند. این مطلب در اظهارات مصاحبه‌شونده شماره بیست و یکم اشاره شده است:

«آنچه وجود دارد صرفاً استفاده نمایشی از خانم‌ها در عرصه سیاست است. برای این که به عرض جامعه برسوزن که ما برای خانم‌ها ارزش قائل هستیم و خانم‌های توانمندی هم وجود دارد که در حوزه سیاست فعالیت کنند ولی در عمل هیچ کدومشون نتوانستن یه کار اساسی انجام بدن.»

در موارد زیادی از مصاحبه‌های انجام شده، حضور عقیمانه زنان در عرصه قدرت را با تعبیر «جنبه شعاری گونه حضور زنان در عرصه سیاست» تفسیر کرده‌اند. به زعم آنها، استفاده از زنان صرفاً برای ژست تبلیغاتی و کسب رأی و همچنین برای آن است که به ملت نشان دهند از زنان نیز در دستگاه سیاسی خود استفاده می‌کند؛ در صورتی که در ساختار قدرت هیچ تأثیری نخواهند داشت. همان‌طور که مصاحبه‌شونده شماره سی‌ام در این مورد چنین اظهار داشته است:

«من در حال حاضر هیچ نقش و جایگاهی و هیچ سهمی برای زنان در قدرت نمی بینم. پست‌هایی که به زنان داده میشه، پست‌هایی هستن که تأثیرگذاریشون کمه و بیشتر برای ژست و ادا به اونا سمت داده میشه نه این که واقعاً به اونا کار داده بشه.»

برخی از پاسخگویان پژوهش برای حضور عقیمانه زنان در عرصه قدرت از تعبیر «مهره‌شدن زنان در عرصه سیاست برای مقاصد مردان» استفاده نموده‌اند. در بازی عرصه قدرت و سیاست، زنان در صورتی می‌توانند به بازی ورود پیدا کنند که مهره مردان برای تثبیت و تحکیم سیستم مردانه موجود شوند. از این‌رو، می‌توان گفت ایشان ابزاری برای شکل دادن به قدرت مردان در این عرصه هستند.

۲.۲.۵ زنان به‌مثابه نیمکت‌نشینان میدان قدرت

در زمین قدرت، زنان جز بازیکنان اصلی به شمار نمی‌آیند و معمولاً در نیکمت ذخیره به صورت بازیکن ذخیره از آنها استفاده خواهد شد و مادامی که به مذاق مردان خوش آید وارد زمین بازی می‌شوند و در صورت ورود به بازی قدرت، به آنها نقش‌هایی حاشیه‌ای و حفاظتی واگذار می‌شود که به نظر می‌رسد با نیمکت‌نشینی تفاوت چندانی نخواهد داشت. عده‌ای دیگر از پاسخگویان پژوهش، بحث زنان به‌مثابه نیمکت‌نشینان میدان قدرت را با تعبیر

«واگذاری نقش‌های حاشیه‌ای به زنان در عرصه سیاست» تفسیر کرده‌اند. بدین معنا که در زمین قدرت معمولاً زن را همیشه در نقش‌هایی که حکم گرم کردن خود برای ورود به میدان قدرت را دارند، به کار می‌گمارند. همان‌طور که مصاحبه‌شونده شماره بیست و یکم در این باره چنین اظهار نموده است:

«در ایران فقط به سری نقش‌های کلیشه‌ای و حاشیه‌ای که فقط بگن آره ما روشن‌فکریم و دو تا خانم تو کابینه داریم. ولی کشورهای دیگه این طوری نیست. در ایران فوقش بشن وزیر میشن که اونم کم پیش میاد.»

در مصاحبه‌های انجام شده برخی از مصاحبه‌شوندگان، زنان به مثابه نیمکت نشینان میدان قدرت را با تعبیر «پشت پرده بودن زنان در عرصه سیاست» تفسیر کرده‌اند. به عقیده آنها زنان در زمین سیاست همیشه پشت آقایان و پشت پرده سیاست قرار گرفته‌اند و اجازه وارد شدن به این زمین به آنها داده نشده است و از این رو، نتوانسته‌اند در عرصه سیاست حضور پر رنگی داشته باشند. پاسخگویان پژوهش در مواردی با تعبیر «وارد بازی نکردن زنان در عرصه سیاست» به این مسئله اشاره کرده‌اند. بدین معنا که در میدان قدرت برای تصدی مدیریت در سطح کلان به زنان میدان داده نمی‌شود و آنها را وارد بازی سیاست نمی‌کنند و نقش‌های رده بالای عرصه سیاست را برای ایشان دور از دسترس قرار می‌دهند. مصاحبه‌شونده شماره هشتم در این باره چنین اظهار داشته است:

«زنان به خیلی از جایگاه‌ها دسترسی ندارند و اگر هم داشته باشند هم به لحاظ کمی و هم به لحاظ کیفی و تأثیرگذاری محدود است. از این رو مردان، معمولاً زنا رو به عرصه سیاست وارد نمی‌کنن.»

پاسخگویان پژوهش در مواردی با تعبیر «واگذاری نقش‌های محافظتی به زنان در عرصه سیاست» به این مسئله اشاره کرده‌اند. بدین معنا که به طور معمول و با فرض ورود زنان به عرصه و میدان قدرت، به آنها نقش‌های محافظتی‌ای که متناسب با روحیه لطیف زنانه باشد به آنها واگذار خواهد شد.

۲.۲.۵. طرد زنانگی در سوژگی سیاسی

زنان در عرصه سیاست تلاش می‌کنند برای کسب پذیرش حداکثری از سوی اکثریت که مردان هستند، با آنها هم‌نوا شوند و سیاست‌های پیشنهادی آنها را حمایت و دنبال کنند و به بیان دیگر

زنانگی و زن بودن خود را کنار بگذارند و در پی سیاست‌های مردان پیش بروند. برخی از پاسخگویان با تعبیر «کپی برداری زنان از مردان در عرصه سیاست» به این بحث اشاره کرده‌اند. زنان از آنجا که تجربه متفاوتی از مردان نسبت به محیط پیرامون و روابط با انسان‌ها دارند، آنچه همراه خود به فضای مدیریت می‌آورند متفاوت است؛ همان‌طور که گیلیگان نیز در نظریه خود به آن اشاره می‌کند، رابطه زنان با محیط اطراف و دیگران معمولاً بر حس مسئولیت، مراقبت و ایجاد نزدیکی میان افراد است، در حالی که درک مردان بیشتر بر فردگرایی و تکیه بر قانون استوار است (هام، ۱۳۸۲: ۱۸۶). اما گویا در عالم سیاست در شیوه مدیریتی زنان این مسئله کاملاً دگرگون می‌شود. همان‌طور که مصاحبه‌شونده شماره هشتم در این باره چنین بیان داشته است:

«ما واقعاً در بین متولیانی که خانم هستند در مناصب حکومتی می‌بینیم که ایده‌هاشون و راه حل‌هاشون و نوع مدیریتشون کپی شده و انگار پا جای پای مردان دیگه است و نمی‌تونن خودشون ایده بدن و با صدای رسا در مجلس سخن بگن و حرف بزبن و از گروه‌های مختلف زنان در جامعه حمایت کنند.»

در بین نمونه پژوهش حاضر، برخی نیز طرد زنانگی در سوژگی سیاسی را با تعبیر «استحاله شدن زنان در عرصه قدرت» تفسیر کرده‌اند. به زعم آنها، به طور کلی زنان به دلیل آن که فضای کلی حاکم بر فضای سیاست ما یک فضای کاملاً مردانه هست، خیلی نمی‌توانند وارد سیاست بشوند. در پاره‌ای از موارد هم که موفق به حضور در این عرصه شوند، از آنان انتظار می‌رود همانند مردان رفتار کنند. مصاحبه‌شونده شماره هفدهم در این مورد بر این باور بوده است:

«اون قدر مردای سیاست مدار قدرتمند هستن و زیاد هستن تعدادشون که اگر معدود زنایی هم که وارد عرصه سیاست بشن باز نمی‌تونن از خودشون تأثیری داشته باشن و از خودشون رنگی ندارن. این طوری می‌شه که جریان فکری سیاسی زنان همانند مردانه میشه و به جنسیت فکری مردانه شیفت پیدا می‌کنن.»

در موارد زیادی از مصاحبه‌های انجام شده، طرد زنانگی در سوژگی سیاسی را با تعبیر «حضور زنان مرد نما در عرصه سیاست» تفسیر کرده‌اند. این عده از پاسخگویان بر این عقیده بودند که تعداد معدودی از زنان هم که به عرصه سیاست راه پیدا می‌کنند، معمولاً دنباله‌رو مردان حاضر در عرصه قدرت می‌شوند و هیچ اختیار و اراده‌ای از خود برای تصمیم‌گیری ندارند. پاسخگویان پژوهش در مواردی با تعبیر «زنان سیاستمدارانی کانالیزه شده در عرصه

سیاست» به این ایده اشاره کرده‌اند. به زعم آنها فعالیت زنان در عرصه سیاست قطعاً نویدبخش خواهد بود و باعث می‌شود جنس زن در جامعه دیده شود. همان‌طور که آلیسون جاگر نیز در تعریف مفهوم «از خود بیگانگی» خود بخشی از آن را با از خود بیگانگی فکری و ذهنی زنان معرفی می‌کند. وی بر این باور بود که زنان در تمامی میدان‌ها اعم از میدان سیاست به دنبال جلب تأیید و پسند مردان هستند و برای به دست آوردن آن با زنان دیگر رقابت می‌کنند (تانگ، ۱۳۹۳: ۳۰۲ - ۳۰۰). از این‌رو، به زعم جاگر این مسئله در تمامی قلمروها اعم از سپر سیاسی تا آنجا پیش می‌رود زنان دچار حالت مسخ‌شدگی می‌شوند.

۴.۲.۵ مختصات سیاست‌ورزی زنانه

بر مبنای دیدگاه لاکان، زنان در پاره‌ای موارد در برابر ساختارهای موجود مقاومت می‌کنند و سرانجام به سپهر سیاست وارد می‌شوند. تم مختصات سیاست‌ورزی زنانه به این نکته اشاره دارد که چنانچه زنان در عرصه سیاست و قدرت دارای جایگاهی باشند چگونه رفتار خواهند کرد و رفتار آنها چه ویژگی‌هایی دارد. بسیاری از مصاحبه‌شوندگان، مختصات سیاست‌ورزی زنانه را با تعبیر «سیاست‌ورزی انسانی‌تر» تفسیر می‌شود. بدین معنا که به نسبت مردان سیاست‌ورز، خشونت کمتری دارند. به زعم برخی از مصاحبه‌شوندگان، با توجه به روحیه‌ای که زنان دارند، شکل دیگری از سیاست‌ورزی را می‌توانند به نمایش بگذارند که با میزان کمتری از خشونت، خود رأی بودن و نادیده گرفتن حق و حقوق دیگران همراه باشد. همان‌طور که مصاحبه‌شونده شماره دوازدهم به آن اشاره کرده است:

«به نظر می‌رسد که اگر سیاست با رویکرد و منش زنانه تلفیق شود قابل تحمل‌تر می‌شود و وجه انسانی سیاست می‌تونه خودنمایی کن؛ چون زنان روحیه لطیفی دارند و برای پیشبرد اهداف سیاسی از خشونت استفاده نمی‌کنند.»

در بین نمونه پژوهش حاضر، برخی نیز مختصات سیاست‌ورزی زنانه را با تعبیر «سیاست‌ورزی مسئولیت‌پذیرانه‌تر» تفسیر کرده‌اند. به زعم برخی از پاسخگویان، زنان به دلیل مواضع تربیتی که برای بچه‌های خود دارند بهتر می‌توانند کشور را اداره کنند. به عبارتی می‌توان گفت، آنها به نسبت مردان مسئولیت‌پذیرتر هستند و از این‌رو کارایی‌شان نیز بیشتر خواهد بود. برخی از پاسخگویان با تعبیر «سیاست‌ورزی پاک دست‌تر» به این مختصات سیاست‌ورزی زنانه اشاره کرده‌اند و به زعم آنها حضور زنان در عرصه سیاست، باعث می‌شود بخش اعظم فساد و ابتدال و رشوه و اختلاس در جامعه از بین برود؛ چرا که زنان بسیار پاکدست‌تر و

شفاف‌تر از مردان هستند. همان‌طور که مصاحبه‌شونده شماره نهم در این باره چنین عنوان کرده است:

«بحث این هست که زنان خیلی شفاف‌تر از آقایون عمل کردن و بسیاری از زنانی که در عرصه سیاست اومدن و کار کردن بسیار شفاف‌تر عمل کردن. به همین دلیل است که می‌گن فساد در دوره تصدی‌گری زنان کمتر است زنان پاک‌دست‌تر هستند و فساد کمتری مرتکب شدن.»

در موارد زیادی از مصاحبه‌های انجام شده، مختصات سیاست‌ورزی زنانه را با تعبیر «سیاست‌ورزی با وجدان کاری بیشتر» تفسیر کرده‌اند. به باور برخی از نمونه پژوهش حاضر، زنان به نسبت مردان از دقت بالایی در کار برخوردار هستند و حس مسئولیت‌پذیری بیشتری دارند، به نظر می‌رسد نتیجه این دو عامل وجدان کاری بالاتر خواهد بود. پاسخگویان پژوهش در مواردی با تعبیر «سیاست‌ورزی اثربخش‌تر» به مختصات سیاست‌ورزی زنانه اشاره کرده‌اند. به زعم برخی از افراد نمونه پژوهش در پاره‌ای موارد حضور زنان به نسبت مردان در سیاست لازم‌تر و ضروری‌تر است؛ به ویژه در مسائل رفاهی. از این‌رو چنانچه زنان به عرصه سیاست ورود پیدا کنند، سیاست کارا تر و همچنین صلح آمیزتر خواهد بود، همچنان که پاملا اندرسن (Pamela Anderson) بر این باور است که هر چقدر حضور زنان در عرصه سیاست و تصمیم‌گیری‌های کلان و سیاست‌ورزی ملی و جهانی پر رنگ‌تر باشد، صلح و مهربانی بر جوامع ملی و جهانی حاکم می‌شود (اندرسن، ۱۹۹۸: ۱۹۶) و با ظاهر ساختن احساس مادری مدفون‌شده، عاطفه زنانه و عقلانیت قائم به ذات ایمان زنانه، در جامعه جهانی، شکل معقولی از ارتباطات عشق و آزادی را در صحنه‌های سیاسی ملی و جهانی نوید می‌دهد (موکتا، ۱۹۹۴: ۱۸۹).

۶. نتیجه‌گیری

تحولات دهه‌های اخیر در حوزه جهانی از یک طرف حاکی از اهمیت امر سیاسی و مسائل مربوط به آن و از طرف دیگر رشد آگاهی زنان و حضور فعال آنها در عرصه‌های مختلف است. زنان ایرانی نیز از این قافله عقب نمانده‌اند و توانسته‌اند از ویژگی دنیای کنونی که همانا ارتباطات گسترده است، بهره برده و از اطلاعات مربوط به حوزه زنان و کلیه امور علمی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی آگاهی یابند و بر دانش خود بیافزایند. علاوه بر این، در دهه‌های اخیر با گسترش علم‌ورزی و افزایش سطح تحصیلات زنان، موجبات رشد آگاهی در آنها

فراهم شده است. اما علی‌رغم حضور فعال و موثر زنان ایرانی در عرصه‌های عمومی، متأسفانه از حضور در عرصه سیاست برخوردار نیستند و به لحاظ سیاسی و مدیریتی در فضایی نابرابر با مردان به سر می‌برند. چرایی این مسئله را می‌توان به دو گونه صورت‌بندی کرد: ۱. بافت جامعه ایران به گونه‌ای است که از سوژگی سیاسی زنان ممانعت می‌کند ۲. زنان به گونه‌ای تربیت شده‌اند که تمایلی ندارند خود را به عنوان یک سوژه سیاسی به خود و جامعه معرفی کنند. مسئله‌ای که منجر به آغاز این مقاله گردیده، صورت‌بندی اول مسئله است که برای بررسی این مسئله با یک رویکرد تفسیری - انتقادی و همچنین با به کار گیری مفاهیم حساسی همچون درک از نابرابری جنسیتی، سوژگی و سیاست سوژه وام گرفته از دیدگاه‌هایی همچون فمینیسم رادیکال (کیت میل)، ژاک لاکان و آلن تورن به چگونگی فهم و درک زنان از امر سیاسی و همچنین چگونگی برساخت سوژگی سیاسی زنان از منظر آنها پرداخته شد. بر پایه اظهارات مصاحبه‌شوندگان، در پاسخ به سوال اول چهار تم لکنت جنسیتی امر سیاسی، تنش‌مندی سپهر سیاسی، الیناسیون جنسیتی در امر سیاسی و اخلاق‌گریزی میدان سیاست و در پاسخ به سوال دوم نیز چهار تم حضور عقیمانه زنان در عرصه قدرت، زنان به مثابه نیمکت نشین میدان قدرت، طرد زنانگی در سوژگی سیاسی و مختصات سیاست‌ورزی زنانه استخراج گردید و در نهایت می‌توان چنین عنوان نمود که دلایل ساختاری مانع سوژگی سیاسی زنان شده است.

به طور کلی نتیجه‌گیری مقاله حاضر را می‌توان در سه نکته بیان نمود:

۱. امر سیاسی جنسیتی در جامعه ایران تابعی از امر سیاسی در کلیت اجتماعی آن است. در ایران کنونی رخداد سوژگی سیاسی به درستی و به صورت سیستماتیک نیست و به نظر می‌رسد این مسئله تا حد زیادی ناشی از فقدان جامعه مدنی و به ویژه احزاب فعال در جامعه است؛ چرا که جامعه مدنی و احزاب حلقه واسط بین مردم و دولت است و اگر سیر درست پرورش سوژه سیاسی در جامعه حکم فرما باشد باید از مجرای این نهاد میانی بگذرد. اما در جامعه ایران به دلیل عدم تشکیل نهادهای اجرایی و تقنینی کارآمد، احزاب تشکیل شده دارای قاعده‌مندی نبوده و بدون شفافیت و برنامه اصولی به فعالیت خود پرداخته‌اند. از این‌رو، ماحصل ناکارآمدی احزاب، اعوجاج و ناموزون بودن سوژگی سیاسی در این است. این مسئله در مورد سوژگی سیاسی زنان به تبع قرار گرفتن‌شان در یک فضای نابرابری، پیچیده‌تر و غامض‌تر شده است و این نکته را می‌توان بر پایه تحلیل متن مصاحبه‌ها در تم لکنت جنسیتی امر سیاسی به وضوح مشاهده نمود؛ بدین معنا که

علاوه بر بد قواره بودن امر سیاسی، این حوزه در مورد زنان و حضور آنها توانایی صحبت کردن ندارد.

۲. با توجه به در هم تنیدگی امر سیاسی و امر جنسیتی در تجربه زنان، نمی‌توان کنشگری سیاسی زنان را بدون حساسیت‌های جنسیتی فهم کرد. مقوله جنسیت در جامعه ایران یک مقوله مسئله‌مندی است و نابرابری‌های مبتنی بر جنس، در قلب تمام روابط و فعالیت‌ها جای دارد و همانند سایر الگوهای نابرابری (قومی، طبقه‌ای و غیره) تأثیر خود را بر روند کنشگری در تمامی حوزه‌ها به اثبات رسانده و به نوعی می‌توان گفت اساساً کنشگری در تمامی قلمروها را با چالش جدی مواجه کرده است. تردیدی نیست که مسئله نابرابری و تبعیض مبتنی بر جنس، در زنجیره رفتارهای تبعیضی دیگر قرار می‌گیرد و در عین حال، کاملاً تحت تأثیر مسائل تاریخی، روابط و هنجارهای مسلط اجتماعی، باورهای جمعی و تفکرات تاریخی و فرهنگی است. از این رو، امر سیاسی نیز که بر مبنای باورهای فرهنگی هر جامعه‌ای پی‌ریزی می‌شود، در فرایند و روابط خود، زن را بر اساس هویت جنسی، محروم یا برخوردار از برخی مناسبات می‌کند و زنان را دچار نوعی مسخ‌شدگی و از خود بیگانگی می‌کند که این مسئله در تم الیناسیون جنسیتی در امر سیاسی پدیدار و هویدا گشت.

۳. محوریت مردان در تجربه سیاسی باعث می‌شود که موضوعات و تجربه زنانه در مناسبات و مناقشات سیاسی طرد شوند و این امر با گذشت زمان موجب دلسردی و دلزدگی زنان از سپهر سیاسی می‌گردد. به عبارت دیگر، حضور پر رنگ و یکه تازی مردان در عرصه سیاست، زمینه‌های به محاق رفتن زن و زنانگی را در این عرصه ایجاد کرده است و این مسئله تبعات سنگینی برای قشر زنان و به طور کلی برای جامعه به همراه خواهد داشت. بر پایه دین مبین اسلام، زنان مسئولیت خطیر مادری را برعهده دارند و باید بتوانند در پرورش انسان‌های اصیل و پیشاهنگ موفق باشند و به نظر می‌رسد لازمه چنین موفقیتی حل مصائب مربوط به آنها و برخورداری از ارزش و کرامتی والا است. در صورتی که بر پایه تحلیل مصاحبه‌های انجام شده، زنانی که وارد عرصه سیاست می‌شوند، زنانگی خود و به طور کلی قشر زن را به دست فراموشی می‌سپارند و دنباله‌روی مردان می‌شوند و برای مشکلات این قشر چاره اندیشی نمی‌کنند.

به نظر می‌رسد چنانچه در دو حوزه بررسی ذهنیت مردان نسبت به ورود زنان به عرصه سیاست و ارائه راهکارهایی جهت حضور زنانه زنان در سپهر سیاست پژوهش‌هایی صورت گیرد، تا حد زیادی می‌تواند در زمینه بهبود سوژگی سیاسی زنان ایرانی راهگشا باشد.

کتاب‌نامه

- استاوراکاکیس، یانیس (۱۳۹۲): *لاکان و امر سیاسی*، ترجمه محمد علی جعفری، تهران: ققنوس.
- باقری، خسرو (۱۳۸۲): *مبانی فلسفی فمینیسم*، تهران: وزارت علوم.
- پناهی، محمدحسین (۱۳۸۶): *جامعه‌شناسی مشارکت سیاسی زنان*، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- تانگ، رزماری (۱۳۹۳): *درآمدی جامه بر نظریه‌های فمینیستی*، منیژه نجم عراقی، تهران: نی.
- تورن، آلن (۱۳۹۹): *دموکراسی چیست؟*، ترجمه سلمان صادقی زاده، تهران: ثالث.
- شیخ زاده، حسین و آصفری، محمد حسن (۱۳۹۹): *ارزیابی مشارکت سیاسی زنان بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و عوامل مؤثر بر آن*، فصلنامه پژوهش‌نامه اسلامی زنان و خانواده، دوره هشتم، شماره اول. ۳۱-۹.
- شیری، قهرمان، مهری، بهروز، حسینی آبیاریکی، آرمان (۱۳۹۱): *از لاکان تا مولانا (نگاره لاکانی به سیر رشد روانی سوژه در آرای مولانا، فصلنامه ادبیات عرفانی، سال سوم، شماره ششم. ۱۰۰-۸۸*
- عظیمی هاشمی، مژگان، قاضی طباطبایی، محمود، هدایتی، علی اصغر (۱۳۹۴): *مشارکت سیاسی زنان در ایران و عوامل مؤثر بر آن*، فصلنامه زن و جامعه، سال ششم، شماره چهارم.
- فی، برایان (۱۳۸۱): *فلسفه امروزی علوم اجتماعی با نگرشی چند فرهنگی*، خشایار دیهیمی، تهران: طرح نو.
- کریمی، شهناز، نوابخش، مهرداد، ازکیا، مصطفی (۱۳۹۷): *بررسی سوژگی زنان در شکل‌گیری گفتمان انقلاب اسلامی*، فصلنامه سپر سیاست، سال پنجم، شماره هجدهم.
- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۲): *از نظریه تا جنبش اجتماعی، تاریخ دو قرن فمینیسم*، تهران: شیرازه.
- مهدی‌زاده، محمد (۱۳۸۹): *نظریه‌های رسانه: اندیشه‌های رایج و دیدگاه‌های انتقادی*، تهران: همشهری.
- هام، مگی (۱۳۸۲): *فرهنگ نظریه‌های فمینیستی*، فیروزه مهاجر، نوشین احمدی خراسانی و فرخ قره داغی، تهران: توسعه.

Anderson, Pamela sue (1998). *A Feminist Philosophy of Religion*, Blackwell.

Baneinia, Masoumeh & Orhan, Duygu Dersan (2021). *Woman As A Political Symbol In Iran: A Comparative Perspective Between Pahlavi Regime And Islamic Revolution*, *Nevesehir Hacı Bektaş Veli Üniversitesi SBE Dergisi*, 11(4), 1906-1919.

Dunebar, Roxanne (1970). *Female liberation as a Basis for Social Revolution*, *Aron Press*.

زنان ایرانی و سپهر سیاست ... (زینب مرادی نژاد و دیگران) ۱۴۱

Guba, E. G., and Y. S. Lincoln (1982). "Epistemological and Methodological Bases of Naturalistic Inquiry, *Educational Communication and Technology Journal* ,30 (4), 233-252.

Hall, Donald. E. (2004). Subjectivity. New York: *Routledge*.

Millett, Kate (1970). *Sexual Politics*, Garden Sity, New York: *Daubleday*.

Mukta, Parita (1994). *Upholding the Common Life: The Community of Mirabai*, Delhi: *Oxford University Press*.

Touraine, Alain (1988). *Return of the Actor: Social Theory in Postindustrial Society*, Translated by Myrna Godzich, Minneapolis: *University of Minnesota Press*.

